

متن پرسش

با سلام خدمت استاد: با توجه به متن یکی از دوستان که برای شما فرستاده بودند که از استاد ملکیان بود پس چرا مسلمانی را اختیار کنیم و یا چرا اصلا بر اعمال یک دین باقی بمانیم نه از روی شهوت مثلا آیا نمی‌شود بر فقه دیگر ادیان بود و یا اصلا فقه اهل سنت؟ واقعا با این طرح که شما داشتید چرا نباید دست را بست یا باز گذاشت؟ اصلا چرا باید در این امور غور کرد و فقه را کشف کرد آیا این مقدار همه چیز را به باطن بردند درست است با توجه به اینکه ظاهر در دین اسلام بر خلاف مسیحیت قدرت مند است و پیامبر ما توجه جدی داشتند و از این جهت دین ما دارای فقه شد دینی که اگر دو تا سجده بیشتر انجام بدهیم حکم به اعاده می‌کند!!! به نظرتان به این راحتی می‌شود این مقدار ظاهر را کم شمرد؟ از متن شما احساس کردم با توجه به تمرکز شما روی فلسفه یا عرفان و... کمی از ظاهر شرع روی گردان می‌شوید، برخی اوقات بوی مسیحی بودن اسلامتان را حس می‌کنم. اینقدر تلاش برای اینکه ظاهر را به باطن حواله دادن آیا از اثرات فهم مسیحی از دین نیست؟ من از اسلام فهمیدم آنچه آقای بهجت فرمود نماز اول وقت شما رو به اوج می‌رساند، این چه دینی است که خم و راست شدن در زمانی مشخص ما را به حقیقت دین نزدیک می‌کند در اسلام راه باطن از راه ظاهر نیست؟ البته که شما موافق هستید و درست است که اصل و اساس باطن است اما آیا در اسلام خود ظاهر ذاتا محل توجه نیست؟؟!! و کلی دقت های ریز فقهی در کلام ائمه که با نظر عرفی اصلا اهمیت ندارد آیا در منطق دین اسلام اگر مسیحی به اسلام برسد می‌تواند باز بر توحید دین خود بماند و اعمال آنرا انجام دهد و مثلا نماز اسلام را نخواند و...؟؟!!!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! ظاهر دین و شریعت الهی دریاچه‌های حضور در باطن دین است و لذا نباید از ظاهر دین عدول کرد. ولی از آن طرف نباید در ظاهر دین نیز متوقف شد. در این مورد پیشنهاد می‌شود حدیث ۱۲ از کتاب «چهل حدیث» حضرت امام خمینی «رضوان‌الله تعالی علیه» مربوط به جایگاه تفکر مطالعه شود. موفق باشید